

دولت فرهنگ دینی در برابر فرہنگی دولت بی دینی؛ جامعه‌شناسی معناگرایی در فرانسه

دکتر محمدجواد جاوید*

تاریخ دریافت: ۸/۱/۸۷۰۴

تاریخ پذیرش: ۸/۱/۸۷۰۸

چکیده: جامعه فرانسه امروزی نمادی از تقابل جدی دین و دولت شده است. از سویی دولت با تفاسیری جدید از قوانین لائیک سعی دارد تا از گستره دین در عرصه عمومی جلوگیری کند و دین را در چارچوب سابق در حوزه سلاقی خصوصی نگه دارد و از سوی دیگر فرآیندی جدید از دینمداری در فرانسه ظاهر گشته که نمی‌تواند در قالب قدیم جاگیرد و مدعی آن است که دولت غیردینی نمی‌تواند نسبت به حقوق دینی افراد بی‌طرف بماند و بلکه از وظایف دولت‌ها تعهد به رعایت حقوق شهروندان است؛ هرچند این سنخ از حقوق لزوماً در گذشته دارای سابقه نباشد. در این مناظره، آنچه بیش از همه پژوهشگر بی‌طرف در میدان مطالعه را مجذوب می‌سازد مسئله رخنه نوعی معناگرایی در جامعه فرانسوی به تبع این گفتمان دینی- غیردینی است. نویسنده در مقاله حاضر با انجام مطالعات میدانی، کتابخانه‌ای و گفتگو با شهروندان و مسئولان وقت جامعه فرانسه به ترسیم جامعه‌شناختی فرضیه‌ای می‌پردازد که بر پایه آن ضمن آنکه فرهنگ دینی در جامعه لائیک قدرت یافته است به همان میزان، دولت لائیک هم فرہنگی خویش را بیش از مرزهای قدیم، امروز حتی در برخی حوزه‌های خصوصی شهروندان می‌جوید.

کلیدواژه: لائیسیت، دینداری، اسلام، مسیحیت، بی دینی، مدرنیته، اصحاززادایی، فرانسه

مقدمه

۱. آیا می‌توان در یک جامعه لائیک، دیندار بود؟ آیا می‌توان در یک جامعه بی‌دین، با دین ماند؟

این نوع تأمل در یک جامعه مدرن محدود به دینداران نیست. چرا که یکی از محورهای اساسی مدرنیته، یافتن پاسخی به این نوع سؤال‌ها بوده است و کماکان نیز هست. اگر دینداران با دغدغه‌های دینی یا بی‌دینان با واگمته نفوذ دینداری، در این تأمل فرو رفته‌اند، اندیشه انسان معاصر با شعار تساهل و کثرت‌گرایی، قصد دارد زمینه همزیستی همگان را فراهم آورد. در این میان جامعه فرانسه کدامین دغدغه را ترغیب یا تحذیر کرده یا می‌کند؟ ادیان و حیانی و غیر و حیانی تا چه میزان در جامعه لائیک فرانسه نفوذ دارند؟ آیا به تعبیر نیچه (Friedrich Nietzsche) خدای این جامعه مرده است^۱ یا اینکه صرفاً تغییر چهره داده است؟

بسیاری از مسلمانان بالاخص پس از دهه ۶۰، سال‌هاست که فرانسه را محلی برای انجام آزادانه مناسک خود یافته‌اند. کشوری که در آن بیش از موطن خود می‌توانند عامل به دین خود بمانند؛ بدون آنکه سنت مسیحی جامعه آن‌ها را بیازارد. این مسلمانان به مسائلی می‌پردازند، که مسلم می‌دانند طرح آن در برخی جوامع مسلمان ناممکن است. پروتستان‌ها به عنوان یک گروه اقلیت مسیحی در برابر کاتولیک‌ها، از زمان هنری چهارم در سال ۱۵۹۸، موفق شدند تا آزادانه به آیین ویژه خود عمل کنند. سایر اقلیت‌ها همچون یهودیان نیز با نفوذی که در جامعه فرانسه دارند، عملاً خود را ریشه‌دارتر از آن می‌دانند که به حدودی محصور شوند. تنها دغدغه آن‌ها رشد گرایش‌های ضد یهودی است؛ چیزی که از آن به ضدیت با نژاد یهودی یا سامی (anti- sémitisme) تعبیر می‌کنند. در این میان ادیان غیرو حیانی چون بودایی نیز از غافله عقب نمانده‌اند. آثار دالایی لاما- به عنوان یک انسان مروج آیین صلح- از نفوذی بالا برخوردار است.

۲. اگر در دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰م. تصور بازگشت ادیان محال به نظر می‌رسید، کمتر از یک دهه بعد، این بازگشت دین بود که همراه انقلاب اسلامی در ایران، جامعه فرانسه و لائیسیته را وارد آزمونی جدید کرد. برخی روشنفکران معتقدند خلأیی که لائیسیته خواسته یا ناخواسته باعث آن شده، اسباب ترغیب سایر ادیان را فراهم ساخته

و در نهایت به ضرر سنت کاتولیک در جامعه فرانسه تمام شده است. نگاهی به مناظره‌های رایج پیرامون دین و دینداری در فرانسه امروز، با نظر به نقش محوری سیاست‌گذاری دولت در حوزه‌های عمومی چون آموزش و پرورش و عواقب برخی گسست‌های اخلاقی در حوزه‌های خصوصی چون خانواده، موضوع اصلی مقاله است.

تحول مفهوم دین در فرانسه

۳. فهم اینکه مردم فرانسه اساساً چه برداشتی از دین و اعتقاد دارند، پیوند ناگسستنی با پیدایش مفهوم لائسیته دارد. اگر تا قبل از حکومت هنری چهارم و منشور نانت در ۱۵۹۸م. دین مردم فرانسه مفهومی جز مسیحیت کاتولیک نداشت، از این تاریخ به بعد و بالاخص با رشد پروتستانتیسم در قرن ۱۶ و ۱۷، فرانسه خود را مواجه با گروه‌های دینی دیگری دید که لزوماً تابع سنت دیرینه این کشور نیستند. در قرن ۱۸ موج ضدیت با مذهب در مخالفت با حکومت‌های دینی سنتی به اوج خود رسید. بنابراین می‌توان گفت که لائسیته در اولین قدم خود در فرانسه پدیده‌ای عموماً ضد دینی بود. ظهور آزادی‌های دینی پس از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه باعث شد تا در عمل نیز گروه‌های دیگر دینی همچون پروتستان‌ها و یهودی‌ها به آزادی عمل بیشتری دست یابند. حتی در طی قرن نوزدهم نیز فرانسه از منازعه دینی بی‌بهره نبود. هر چند در دیباچه اعلامیه حقوق بشر و شهروندی سال ۱۷۸۹م. اذعان شده است که این حقوق در سایه حمایت ذات باری تعالی (Etre suprême) رقم می‌خورد (Déclaration des Droits de l'Homme et du citoyen de 1789).^۲ با این حال انقلابی‌ها باعث رشد نوعی از مفهوم دین شدند که قائل بود بی‌دینی هم در ذات خود نوعی دین است و به این سبب به ساخت و پرداخت ایدئولوژی خاص خویش پرداختند. اما آنچه بیش از همه اسباب جنگ داخلی می‌شد سلب حقوق کاتولیک‌های سنتی بود که پس از انقلاب نه تنها مشاغل خود را از دست دادند بلکه مورد توهین قرار می‌گرفتند. فاصله گرفتن از مفهوم سنتی دین بود که ماکس وبر، نویسنده پروتستان آلمانی، را بر آن داشت تا از دین‌گریزی در جهان سخن بگوید. مفهوم اصجازردایی (désenchantement du monde)^۳ را وبر در همین باره به کار برده است. او در حدود صد سال پیش سعی داشت نشان دهد که چگونه فرایند عرفی شدن

دین یا حاکم شدن عقل ابزاری موجب رشد سکولاریسم در جهان مسیحی غرب شد. سراسر جامعه‌شناسی قرن بیستم حکایت از همین تصور از دین با ارجاع به نوشته‌های ماکس وبر و دورکهایم است. هر چند دورکهایم معتقد بود که ادیان ریشه‌ای عمیق در تمدن بشری دارند و مدام تمدن غربی و وحی مسیحی در تعامل بوده‌اند. دین برای او عنصر هستی بخش بوده، که البته به مرور زمان در حال عقب‌نشینی است (Dictionnaire de la Sociologie, 1998, p.267).

تاریخ ملی و سنت دینی

۴. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م. با ورود رسانه‌ای چون تلویزیون به زندگی مردم فرانسه، موج فرار از معنویت و اخلاق که به واسطه دو جنگ جهانی اوج گرفته بود، شدتی بیشتر یافت. دولت که به دنبال منبع درآمدی بیشتر برای جبران اقتصاد و افزایش نیروی کار پس از جنگ بود، اکنون می‌توانست با افزایش مالیات سینماها به آن‌ها اجازه دهد تا به پخش فیلم‌های جنسی و غیراخلاقی پردازند. یک دهه بعد با شدت گرفتن گسست‌های خانوادگی، دولت مجبور شد تا الزام‌هایی برای تأمین حقوق خانواده از جمله فرزندان در نظر گیرد. دولت به دنبال آن بود تا خلأ دستورهای دینی را با قوانین مدنی جبران کند. با رفتن دین به حوزه زندگی شخصی و تبدیل شدن به نیاز صرف فردی، فرد هویت فربه‌تری به دست آورد. از سال ۱۹۰۵م. همزمان با تصویب قانون لائیسیته تا سال ۱۹۷۰م. که موج دین‌گریزی در جامعه فرانسه است، آموزش‌های اخلاقی که معلمان دینی مدارس یا والدین به طور سنتی به فرزندان خود منتقل می‌کردند، به دولت و در نتیجه به معلمان مدارس سپرده شد. سیر روحانیت‌زدایی به مرور ادامه یافته است. در سال ۱۹۴۵م. در فرانسه حدود ۴۷ هزار آموزگار روحانی وجود داشت، در سال ۱۹۹۷م. به ۲۵ هزار نفر تنزل کرد و امروز برخی از حذف کلی آن‌ها طی چند سال آینده سخن می‌گویند (Hervieu-Leger, 2003). ولی از آنجا که معلمان مدارس ملزم و طبعاً ملتزم به رعایت حدود قانون لائیسیته در مدارس بودند، عملاً هیچ کس جرئت سخن گفتن از دین و احکام آن را به مثابه مقوله‌ای آموزشی نداشت. کودکان کم‌کم نه تنها از دین و دستورهای اخلاقی، بلکه به تدریج از فرهنگ

کهن دینی فرانسه نیز فاصله می‌گرفتند. برای توضیح یک تابلو نقاشی قرن ۱۴ و ۱۵، دانش‌آموز چیزی جز توضیحات فنی نمی‌شنید، تاریخ ملی و سنت دینی که این تابلو در آن خلق شده بود به فراموشی سپرده شد (Hervieu-Leger, 2003). فاصله گرفتن از مفهوم سنتی عشق، ازدواج و فرزند و تلاش برای ارضای خواست‌های فردی در قالب جدید منطبق فردگرایانه و آزادمنشی، باعث شد تا دولت‌ها و مجلس‌ها به فکر آینده جمعیتی خود و در نتیجه فرزندان باشند و به تصویب قوانین مشوق تشکیل خانواده و فرزند بردارند. از آنجا که دیگر والدین مدافع اصلی فرزندان نیستند و حتی خود والدین اسباب تضییع حقوق فرزندان خود و بعضاً حتی آزار جنسی آنان می‌شوند، قانون دفاع از حقوق فرزندان و کودکان در پارلمان اروپا، اعضای خویش را ملزم ساخته است تا در جهت حفظ این حقوق گام بردارند.

تحول در مفهوم خانواده و دعوی عصر مدرن

۵. تا قبل از انقلاب صنعتی اروپا، آموزش کودکان عمدتاً بر عهده پدر و مادر بود. و این والدین بودند که تصمیم می‌گرفتند که یا خود به تربیت فرزند خود بپردازند یا اینکه او را به معلمی مذهبی بسپارند. این شیوه دوم بی‌شبهات به پدیده‌ای نبود که در ایران قدیم تحت عنوان مکتب شناخته می‌شد. مشکل این دوره آن بود که کودکان در درون خانواده از هویت مستقلی برخوردار نبودند. هر چند نیاز به فرزند مسلم بود و جزئی از هویت اجتماعی قبیله و فامیل به شمار می‌رفت اما فرزند منحل در جمع بود. پس از قرن ۱۵ تصمیم بر آن شد تا کودکان از انحصار و سلطه بزرگسالان خانواده بیرون کشیده شوند و آموزش‌های اجتماعی مستقلی ببینند. در قرون ۱۶ و ۱۷ نقش مستقل فرزندان در جامعه تثبیت شد. یافتن هویتی مستقل باعث شد تا خانواده‌ها حول فرزند ایجاد شوند و کودکان زمینه تشکیل و تداوم زوجیت باشند. در قرن ۱۸ بچه‌ها اساس و روح خانواده‌های بورژوا و ملاک هویت آنان به شمار می‌رفتند. در نتیجه اوایل قرن نوزدهم اوج غرور هویت مستقل فرزند بود. با رسمیت یافتن دوره‌های مختلف نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی، فرزندان حاکم بر خانواده شدند. اما این بنای منیع که حاصل رشد عقلانی بشر طی قرون مختلف گذشته بود، در قرن بیستم به یکباره فرو

ریخت. یکی از نمودها این شکاف رونق مفهوم خانواری (family: famille) در برابر خانه‌داری (household: ménage) بود (www.insee.fr).^۹ چرا که دیگر خانواده بودن و خانوار شدن لزوماً از مسیر خانه‌داری و هم‌خانگی نمی‌گذشت.

ملاک‌های عصر مدرن

۶. مدرنیته هر چند از قرن شانزدهم به صورت جدی ظهور کرد، اما جهت‌گیری اصلی در جهت تحول بنیاد خانواده تنها در اواخر قرن نوزدهم بود که به ثمر نشست. در این قرن فردگرایی با توجه به عقل‌دکارتی، به مثابه یکی از ملاک‌های اساسی عصر مدرن، کانون خانواده و نوع برداشت سنتی از آن را به شدت دچار بحران کرد. لذا در قرن بیستم، خانواده از مفهوم سنتی خود خارج شد و در نتیجه هدفمندی خانواده دیگر مبتنی و متکی به عشق به زن یا داشتن فرزند نبود. خانواده‌های بسیاری داشتن فرزند را مانع سعادت خود دانستند. لذت فردی که از طریق کتب فایده‌گرایان همچون جرمنی بتنام و استوارت میل در قرن نوزدهم تبلیغ می‌شد، اکنون اساس مفهوم سعادت تلقی می‌شود (Belot, 1994, pp.404-64). حاصل این نگرش جدید به فرزند و خانواده سبب شد تا کودکان از مرکز توجه خارج شوند. مفهوم عشقی نیز که در گذشته به عنوان اصل اولیه بنیان هر نوع علاقه زوجهین برای تشکیل خانواده محسوب می‌شد، تغییر کرد. عشق مدرن یعنی تأمین لذت فردی در اشکال متفاوت آن. طبق آمار در آمریکا ۷۰ درصد زنان و ۷۲ درصد مردان معترف‌اند که حداقل در ۵ سال اول زندگی مشترک خود حداقل یک بار خیانت کرده‌اند (Hite, 1987)، در فرانسه تحقیقات مرمره (Mermet) حکایت از آن دارد که هر مرد فرانسوی در طی عمر خود حداقل با ۱۲ نفر و هر زن فرانسوی با ۴ نفر شریک جنسی بوده است (Mermet, 1999, p.136). اکنون بیش از ۳۵ درصد متأهل‌های فرانسوی اقرار دارند که حداقل یک بار به همسر خود خیانت کرده‌اند (France 3, 18/05/2004). بررسی‌های جدید روی دی.ان.ای (DNA) نشان می‌دهد که بیش از ۴ درصد والدین بدون آنکه بدانند، فرزندی را بزرگ می‌کنند که لزوماً متعلق به پدر خانواده نیست (Sullerot, 1992). میل به ازدواج رسمی به شدت نزول پیدا کرده و به همین نسبت شمار ازدواج در جامعه فرانسه نیز کاهش یافته است. نوعی جدید از

رابطه دختر و پسر خصوصاً در دهه‌های اخیر در فرانسه و غرب ظاهر شده که کالبد شکافی آن حکایت از پشت پا زدن به تمام سنت‌های دینی مسیحی غرب در گذشته است. فرار از هرگونه تعهد، دختران و پسران را بر آن داشته تا به زندگی مشترک و دلخواه خود بپردازند. این شیوه زندگی مشترک که لزوماً به معنای همزیستی در یک خانه هم نیست بناچار از سوی دولت رسمیت یافته و در اغلب موارد، حقوقی را که یک زوج در ازدواج سنتی داشته‌اند، داراست.^۶ با این حال برخی، پس از سال‌ها زندگی مشترک تمایل پیدا می‌کنند تا همراه فرزندان‌شان جشن بگیرند و رسماً ازدواج کنند. بسیاری نیز چون عملاً تعهدی به طرف مقابل ندارند، هر گاه اراده کنند به رابطه خود پایان می‌دهند یا در عین داشتن رابطه زناشویی، هیچ تعهدی ندارند که خود را تنها به روابط مشروع محصور کنند.

۷. نگاهی مختصر به برنامه‌های شبکه‌های دولتی فرانسه نشان از وجود اراده‌ای برای بازگشت به کانون سابق خانواده است. در حالی که شبکه‌های خصوصی و بازرگانی که از طرفدارانی بیشتر نیز برخوردارند، به سرعت به سوی مفهومی از زندگی می‌روند که نامی جز لذت فردی ندارد. ستاره‌های سینما و تلویزیون با حضور در این برنامه‌ها، اخیراً از آینده بحرانی شهروند فرانسوی در عصر پسامدرن خبر می‌دهند که رسماً اعتقاد به روابط آزاد جنسی در خارج از کانون خانواده، در دوره تأهل دارد و در ضمن خواهان رسمیت یافتن آن از سوی همگان هستند. بحران هویت و فقدان معیاری ثابت برای فهم صحیح از سقیم، معضل جامعه فردگرایی امروز در فرانسه است. برنامه پرتلفدار تلویزیونی «C'est mon choix» که تا اواخر سال ۲۰۰۴ از شبکه سوم فرانسه پخش می‌شد به صراحت حکایت از این فقدان اصول ثابت به عنوان معیاری شناخته شده در جامعه داشت. به طوری که امروز ملاک تشخیص ارزش و حدود اخلاقی یک عمل، چیزی جز تبلیغات رسانه‌ها نیست. اگر درحال حاضر به‌رغم تبلیغات گسترده تلویزیونی، دولت فرانسه خود را هنوز مخالف رسمیت یافتن ازدواج همجنس‌بازان نشان می‌دهد، به سبب توجه به زیان‌های اجتماعی این نوع ازدواج همچون کاهش بیش از پیش جمعیت در آینده است و نه جنبه‌های اخلاقی یا مذهبی آن. مشکلات نسل اول همجنس‌بازان آمریکا در زمینه پرورش و تربیت فرزندان و بحران‌های روان‌شناختی

فرزندان آنان که اکنون با گریز از القانات والدین خود، تمایل جدی به بازگشت به زندگی عادی دارند، به فرانسوی‌ها آموخته است تا برخلاف تقلیدهای گذشته از شیوه زندگی آمریکایی، در این باره محتاط‌تر باشند (Arte, 2 décembre 2004, 21:3). در مجموع به تعبیر ژک دوپویی در کتاب خود، به نام پدر، امروز دوره‌های کلاسیک ازدواج به مرور زمان همچون ازدواج سنتی، ازدواج اتحادی (mariage- alliance)، ازدواج اتفاقی (mariage- fusion) نیز به پایان رسیده است و ما در سیر تحول مفهوم خانواده در وضع ازدواج به مثابه یک انجمن (mariage- association) قرار گرفته‌ایم که در آن تعهدات طرفین بر اساس قرارداد به حداقل موارد مورد اتفاق نظر همچون نمونه آن در یک مؤسسه یا شرکت تجاری خلاصه می‌شود (Dupuis, 1987, p.285).

وقایت ادیان در فرانسه و نقش لالیسته

برای بسیاری از تحلیلگران مسائل مسلمانان در فرانسه، انقلاب اسلامی در ایران باعث تقویت دین‌داری به طور عام، و تشدید اسلام‌گرایی به صورت خاص، در جمهوری فرانسه شده است. برای تأکید بر صحت این مدعا، برخی از جامعه‌شناسان به ورود حجاب در مدارس پس از ظهور رسمی چادر در ایران اشاره می‌کنند. برای فهم مقوله دین در این جهت، نگاهی مختصر به این مسئله، ضروری به نظر می‌رسد.

انقلاب اسلامی ایران، تحدی جدید نمادهای مذهبی

۸. تنها در اواخر قرن بیستم بود که با هجوم فرقه‌های دینی رنگارنگ که همچون سایر مدهای زندگی غربی عمدتاً از ایالات متحده آمریکا سرچشمه می‌گرفتند، این احساس بی‌هویتی و فقدان ارزش‌های ثابت جدی‌تر به نظر رسید. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و حمایت روشنفکران فرانسه همچون میشل فوکو، موریس دووژه... از مبارزات مردم ایران، نشان از بازگشت به دین در جهان بود. این بازگشت طبعاً برای جامعه لائیک خبر خوشی نبود. در همین زمان بود که جامعه منزوی مسلمانان در فرانسه به تکاپو افتاد. در طی هشت سال جنگ ایران و عراق، تئوری سیاستمداران فرانسه چون ژان- پیر شومنون (Jean-Pierre Chevènement) به عنوان وزیر دفاع، بر این پایه استوار

بود که دولت صدام حسین حکومتی لائیک است. در حالی که حکومت ایران حکومتی مذهبی و ضد لائیسیته می‌باشد. لذا در منازعه میان این دو، طبیعی است که دولت فرانسه حکومت بعثی صدام حسین را بر حکومت جمهوری اسلامی ترجیح می‌دهد (Chevènement, 1991). گریز دولت فرانسه از منازعه‌ای که یک حکومت دینی می‌توانست در میان مسلمانان این کشور سبب شود، در تقویت مبانی قانون ۱۹۰۵ م. و ارائه تفاسیر جدیدتر از آن بسیار مؤثر بود. نیروهای چپ چون سوسیالیست‌ها نیز که تا قبل از پیروزی به دفاع از قیام مردم ایران پرداخته بودند، پس از پیروزی انقلاب تا مدت‌ها در باره تأثیر جریان‌های اسلامی ایران بر محیط فرانسه مردد بودند. ژوسپین (Jospin) که قبل از انقلاب در تمجید از نهضت ایران مطالبی نوشته بود، تا زمان پایان نخست وزیری خود در سال ۲۰۰۲ همواره در مواجهه با نهضت حجاب در مدارس فرانسه با ملایمت رفتار می‌کرد. آنان معتقد به تز آزادی برای همگان بودند. اما پس از ۱۱ سپتامبر هم احزاب چپ و هم احزاب راست چون حامیان ژاک شیراک (Jacques Chirac) رئیس جمهور سابق، در یک مسئله با هم به توافق رسیدند: تندروهای مسلمان که متأثر از جریان‌هایی خارجی هستند در مدارس فرانسه نفوذ کرده‌اند. از این پس رقابت چپ و راست در فرانسه بیش از هر چیز بر میزان سخت‌گیری بر مسلمانان معتقد (croyant) در حوزه‌های عمومی استوار شد. تابویی که لائیسیته از آن می‌گریخت به خودنمایی پرداخت. بسیاری از تحلیل‌گران غافل از میزان رشد اسلام فرانسه از اسلامی سخن می‌گویند که با انقلاب اسلامی ایران، تحدی جدیدی را در قالب نمادهای مذهبی وارد جامعه لائیک کرده است. (Rapport au Président, jeudi 11 décembre 2003, 4.2.2.1 L'école)^۷

برخی از این دسته متفکران فرانسه که در جریان مشورت‌ها پیرامون قانون لائیسیته در مدارس، ملقب به عقلا (Les Sages) نیز شدند، متأسفانه کمکی به تقویت فهم دینی و تاریخی داده‌های درسی در مدارس نکردند. تلاش آن‌ها پس از شش ماه، از تعیین حد برای ظواهر و نمادهای دینی فراتر نرفت.

به اعتقاد بسیاری از نویسندگان، تحدی دوم ظهور علنی دین در ایران در برابر لائیسیته در فرانسه، با پدیده سلیمان رشدی شدت گرفت. پیر/نیر که مسئله لائیسیته در

فرانسه را از سال ۱۹۴۵ تا کنون بررسی کرده است می‌نویسد: ظهور مجدد معضل لائیسیته در فرانسه و بالاخص مسئله حجاب سال ۱۹۸۹ در مدارس فرانسه ارتباط بسیار نزدیکی با فتوای اعدام نویسنده کتاب *آیات شیطانی*^۹ به دست آیت‌الله خمینی (ره) دارد (Ognier, 2003, pp.13-15). توماس دلتنب (Deltombe, 2004, p.28) که مطالعه بسیار ظریف و دقیقی در این باره در رسانه‌های فرانسه انجام داده است، تأیید می‌کند که هر چند سیمای فرانسه در عدم ارائه سلیم و صحیح این پدیده بی‌تقصیر نیست، جامعه مسلمانان فرانسه با فتوای آیت‌الله خمینی (ره) از هویت خود به عنوان یکی از مخاطبان این حکم سؤال کرد. آیا هویت جدید اسلام فرانسوی مدیون اسلام‌گرایی در ایران است؟ یا اینکه به واسطه انقلاب اسلامی و فتوای امام خمینی (ره) مسلمانان فرانسه سعی کردند خود را مسلمانانی مستقل از سایر جریان‌ها در جهان اسلام نشان دهند؟ در هر دو صورت جواب پرسش برای نویسنده‌ای چون *اولیه روا* یک پاسخ بیشتر ندارد: اسلام فرانسه موتوری برای اسلام اروپا شده است. اسلامی که مبانی آن فراتر از تصورات ساده مطبوعاتی است (Roy, 1998, p.10).

۹. مصاحبه‌هایی که نگارنده با برخی از مسئولان نظام آموزشی فرانسه داشته است، نشان از نگرانی جدی آنان از عطش روحی نوجوانانی دارد که به دلیل اشباع نشدن در نظام آموزشی، میل به سوی بازار ادیان جدید دارد. بنابراین اگر به دنبال نشان دادن تابویی برای جامعه امروز فرانسه باشیم باید در ابتدا از دین و سپس در معنایی خاص از نفوذ اسلام در این جامعه سخن گفت. در حالی که یک حکومت لائیک باید اساساً شانس و امکان مطالعات دینی را افزایش دهد، اما متأسفانه محمد ارکون، اسلام‌شناس مشهور فرانسوی، می‌گوید: به بهانه بی‌طرفی، لائیسیته عملاً مطالعات علمی پیرامون ادیان را کنار گذاشته است (Arkuon, 1991, p.29). الهیات از دانشگاه‌ها بیرون رفته و جز یک صورت تصنیفی از آن نمانده است. تصحیح این وضعیت، به تعبیر او با جهت‌دهی و تقویت گرایش «فلسفی»، به عنوان یکی از مسئولیت‌های هر سیستم حکومتی از جمله لائیسیته است (Arkuon, 1991, p.31). اما نکته جالب‌تر آن است که حتی در کتابخانه‌های عمومی نیز گاهی دین ذبح می‌شود. در بسیاری از کتابخانه‌های شهرداری که عمدتاً محل رجوع مردم عادی یا به تعبیر دیگر، عوام از شهروندان است، نوع

تقسیم‌بندی و نام‌گذاری کتاب‌ها نیز تحت شعاع این تابو قرار گرفته است. بسیاری از کتاب‌های دینی لابه‌لای کتاب‌های تاریخی و فرهنگی ارائه شده‌اند و کل این مجموعه از کتب به عنوان مثال در کتابخانه بزرگ شهرداری تولوز در منطقه رانگوری (Rangueil) در جنوب غربی شهر، کتب اسنادی نام گرفته است.

رقابت نامتوازن

۱۰. در رقابت نامتوازی که بین ادیان فرقه‌های مذهبی پس از سال ۱۹۷۰م. در گرفته است، بیش از همه اسلام در فرانسه پیشتاز بوده است. هر چند ارائه آمار دینی از نظر قانونی دارای موانع جدی است، و به همین دلیل آمار رسمی از شمار مسلمانان فرانسه در دست نیست، مجله لا وی (La Vie) که ارگان وابسته به مذهب کاتولیک‌هاست مدعی شد که تا سال ۲۰۰۴م. فرانسه بیش از چهل‌هزار تازه‌مسلمان داشته است که با ترک مسیحیت به اسلام گرویده‌اند. البته این رقم می‌تواند به صدهزار نفر نیز برسد. چرا که مسلمانانی در فرانسه یافت می‌شوند که در هیچ یک از دسته‌بندی‌های نژادی یا قومی متعارف جمعیتی قرار نمی‌گیرند (Ternisien, n.314, novembre, 2002). اما این تنها اسلام نبوده که از دین سنتی فرانسه قربانی می‌گیرد. بودیست که دینی بسیار غریب نسبت به سنت غربی بوده، سال‌هاست که از استقبال بالایی برخوردار شده و توانسته است چون دین یهود، مسیح و اسلام در روزهای یکشنبه شبکه دو، به تبلیغ و معرفی خود پردازد (www.bouddhisme-france.org/index.htm). اگر اسلام در بین قشر روشنفکر در حال صعود است، بودیسم در بین عوام مردم فرانسه که از اسلام معرفی‌شده در رسانه‌ها چیزی جز خشونت ندیده‌اند، بسیار شتابان است (www.bouddhisme-france.org). این شتاب بالاخص پس از ۱۱ سپتامبر اوج بیشتری گرفته است. به روشنی می‌توان دید که رقابت ادیان در فرانسه ناعادلانه است. اگر بی‌دینی را هم به تعبیر برخی دین بدانیم در آن صورت باید اعتراف کرد که بی‌دینی و حتی تبلیغ علیه دینی خاص با راهنمایی در چگونه مرتد شدن همراه تسهیلات دیگر، در فرانسه از آزادی بی‌حد و مرزی برخوردار است. در مرحله بعد، تبلیغ دین مسیح و فرقه‌های منشعب از آن به ویژه آن دسته که چون فرقه ژئوا (Jéhovah) یا مسیونرهای

کلیسای انجیلی (Eglise Evangélique) که از خود غرب چون آمریکا سرچشمه گرفته‌اند دارای تسهیلات بیشتر یا تزییقاتی کمتر نسبت به سایر ادیان چون اسلام هستند که ریشه شرقی دارند. آنان به راحتی در خانه‌ها را می‌کوبند و خود را فرستاده مسیح معرفی می‌کنند و هیچ‌کس مانع ایشان نیست. آن‌ها می‌توانند در کنار خیابان بایستند و به تبلیغ دین خود بپردازند؛ مثلاً آواز مذهبی بخوانند، جزوه توزیع کنند و علناً به تفسیر انجیل بپردازند. این صور برای اسلام در فرانسه ناممکن و ممنوع است. سال ۲۰۰۳ م. پلیس فرانسه پس از تیره شدن متهمی، در ارائه ادله خود مبنی بر تروریست بودن این مسلمان که در فرودگاه دستگیر شده بود به قرآنی استناد کرد که این مسافر همراه خود داشته است! (Besseghir, 2003).

اسلام در برنامه‌های تلویزیونی

۱۱. اجحاف به ادیان شرقی به ویژه اسلام در برنامه‌های تلویزیونی وجوه تازه‌ای می‌یابد. هر ساله در روزهای تعطیلات عید نوئل در فرانسه بسیاری از فیلم‌های مذهبی از زندگی مسیح، نوح، ابراهیم، موسی و یوسف بر اساس روایت تورات و انجیل به نمایش گذارده می‌شود. بسیاری از این نوع فیلم‌ها در کمتر از دو سال حداقل دوبار دیگر از سوی شبکه‌های دولتی و غیردولتی، مجدداً به نمایش گذاشته می‌شود. اما شاید بتوان به جرئت گفت که طی ده سال اخیر حتی یک فیلم اسلامی یا حتی ساخته یک کشور اسلامی که قصد معرفی دین اسلام آغازین را داشته باشد به نمایش گذارده نشده است. برعکس هر گونه فیلمی که به نحوی به انتقاد از اسلام سنتی یا رد مبانی دینی آن می‌پردازد به اشکال مختلف در دوره‌های کوتاه به صورت تکرار در شبکه‌های خصوصی و دولتی نمایش داده می‌شود. نمایش فیلم *زندگی بود* که سال گذشته به نمایش گذاشته شد (Thema Bouddha, 2003)، این ظن را تقویت می‌کند که شیوه گریز از معرفی مبانی اولیه اسلام در غرب و بالاخص فرانسه دارای دستور کار و برنامه‌ای مشخص است که حتی در روزهای جشن رسمی مسلمانان همچون روز تولد پیامبر اسلام (ص) نیز اشاره‌ای به خاستگاه اسلام نمی‌شود. فیلم *محمد رسول‌الله (ص)* که حداقل در برخی زمینه‌ها می‌تواند پاسخگوی سؤال‌های جامعه تشنه فرانسه باشد، در

طی این پنج سالی که نگارنده به دقت برنامه‌های تلویزیونی را دنبال کرده است، همیشه غایب بوده است. در سال ۲۰۰۲م. پس از سال‌ها انتظار، بالاخره شبکه پنج در ضمن برنامه آرته (Arte) که هر شب پخش می‌شود، سلسله برنامه مستندی را به معرفی اسلام اختصاص داد. این برنامه چهارساعته در نهایت چیزی جز نمایان کردن نقاط ضعف تاریخ اسلام نبود که سعی شده بود به صورت علمی مطرح شود. برنامه، قرائتی غربی از روایت اهل سنت از اسلام بود که تنها کمتر از ۵۰ ثانیه به صحبت‌های علامه فضل‌الله، عالم شیعی لبنان، در بحث جهاد اختصاص داده شده بود و در مجموع حامل تمام شبهاتی بود که یک منتقد غربی می‌توانست به اسلام داشته باشد. شاید در همین جهت و تحت تأثیر عوامل صهیونیستی در فرانسه بود که انجمن‌های یهودیان فرانسه با ترتیب دادن شکایتی سبب ممنوعیت شبکه ماهواره‌ای پرطرفدار المنار در فرانسه و سپس در آمریکا شد.^۱ شورای عالی برنامه‌های رادیو تلویزیونی فرانسه، «سه.اس.آ»، روز دوشنبه ۳ اسفند ۱۳۸۳ نیز با صدور حکمی برنامه‌های شبکه ماهواره‌ای جمهوری اسلامی ایران، سحر، را که از طریق ماهواره «یوتل ست» برای فرانسه و اروپا پخش می‌شود ممنوع اعلام کرد (www.sharifnews.com/73467). در بیانیه این شورا که در حقیقت نهاد نظارتی دولت فرانسه بر پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی در این کشور است، شبکه ماهواره‌ای سحر متهم به پخش برنامه‌های یهودستیزانه شده است.^{۱۱}

بازگشت به پرسش نخستین در مبادی دینی

۱۲. با این حال به نظر می‌رسد پاسخ به سؤال آغازین مقاله با در نظر گرفتن آنچه تاکنون تلاش کردیم نشان دهیم، هنوز هم ناتمام است. پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان در جامعه‌ای لائیک چون فرانسه معتقد ماند، دارای ابعاد دیگری نیز هست. اگر در مقام عمل مؤمن دچار تضییقات حکومتی است، در مقام نظر نیز برخی موانع ذهنی به مدد حکومت شتافته است. عمده‌ترین موانع ذهنی پذیرش معتقدان در قالب یک دین آسمانی چون اسلام، در عملکرد خود دین نهفته است. ارائه الگویی غیرانسانی و خلاف عقل؛ افراط و تفریط در عمل به احکام دینی؛ سوءاستفاده از مقدسات دینی برای توجیه مقاصد دنیوی و در نهایت سوءاستفاده از جهل مردم برای تثبیت مبانی دینی از آفات

یک دین و سدهای پذیرش اجتماعی در یک جامعه است. تجربه تلخی که مردم فرانسه از جنگ قدرت‌های دینی در این کشور دارند به قدری دردناک است که بسیاری از مردم اساساً باور نمی‌کنند که دین بتواند منطقی عقلانی ارائه کند. بی‌پاسخ گذاردن پرسش‌های دینی به نام رموز آسمانی بسیاری از مردم را دقیقاً به مسیری هدایت کرده است که ماکس وبر، چنان که دیدیم، از آن به مسیر سحر زدایی نام می‌برد و نهایت این راه را عرصه عقل می‌نامد. این جامعه‌شناس اوایل قرن بیستم نشان داد که چگونه تکامل عقلانیت و فرایند عقلانی‌شدن در مسیحیت به ایجاد جهان سکولار یا لائیک انجامید. اما نباید غافل بود که نظریه سکولاریزاسیون یا لائیسیزاسیون ماکس وبر برآیندی از تجارب ویژه اروپای غربی بود، جایی که اسم مسیح بر آن حکومت می‌کرد.^{۱۱}

ناخوسندی از دین مسیحیت

۱۳. اگر اسلام امروز در فرانسه دومین دین مردم محسوب می‌شود، لزوماً به این معنا نیست که مسلمانان صرفاً از نظر جمعیتی و در سطح کمی گسترش یافته‌اند. اگر بخواهیم دلایل رشد اسلام‌گرایی در جامعه امروز فرانسه را بازگو کنیم، باید به سرعت رشد بی‌دینی در دهه‌های اخیر اشاره کنیم. بسیاری هنوز بر این باورند که دین اول در فرانسه بی‌دینی است (forums.lemonde.fr). مدعیان این نظریه همچون سارتر به چهره‌خشن دینی توجه دارند که سال‌ها اسباب خونریزی و کشتار در اروپا شد. اینان معتقدند عامل همه این مصیبت‌ها دین بوده است. چرا که به اسم بی‌دینی یا اتمیسم کسی تاکنون کشته نشده است (forums.lemonde.fr/perl). بر مبنای نظریه اخیر فرانسه کنونی با رشد دین‌گرایی عملاً و ناخواسته به استقبال جنگ و خشونت و در نهایت خودکشی پیش می‌رود. ولذا تئوری هانتینگتون در سخن از «برخورد تمدن‌ها»، (Huntington, 1997) در فرانسه به شکل برخورد دینی ظهور خواهد کرد.

عقل جمعی و منطق دینی در فرانسه

۱۴. مطالعات و مصاحبه‌های نگارنده با شهروندان فرانسوی نشان می‌دهد که نکته بسیار مهم دیگری که در سطح عامه مردم رایج است و به نوعی می‌توان از آن به عقل جمعی

مردم فرانسه یاد کرد، خاطره ناخرسندی است که از جنگ بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها در ذهن آن‌ها باقی مانده است (perso.wanadoo.fr). هر فرانسوی مدافع قانون لائسیته در درجه اول از بهایی صحبت می‌کند که آنان برای خلاصی از دین به واسطه انقلاب فرانسه پرداخته‌اند. سخن از بازگشت دین برای آنان سخن از هجوم ناامیتی و خشونت است. حتی آن دسته از مردم فرانسه که بنا به دلالتی با قانون لائسیته هم مخالف‌اند، نمی‌توانند خود را قانع کنند که دین وارد حوزه عمومی شود. مردم فرانسه که حافظه تاریخی نسبتاً خوبی دارند، معترف‌اند که پس از رفرم و ظهور پروتستان‌ها اغلب پادشاهان که در اروپا به نام مسیح و به نمایندگی از پدر مقدس در روم، حکومت می‌کردند، به فکر اعاده وحدت دینی در قلمرو خود بودند. تلاش پروتستان‌ها در آزادی عمل به مناسک دینی خود و تلاش کاتولیک‌ها در منع ارتداد دینی و خروج از دین واحد سنتی، منجر به جنگ‌هایی شد که ده‌ها سال چهره اروپا را مملو از مصیبت ساخت (www.eleves.ens.fr). اما نکته جالب در تکرار تاریخ است: امروز معتقدان لائسیته معتقدند که حکومت جمهوری فرانسه با تمسک به همان مفهوم سنتی دین که فراتر از حیطه مسیحیت نمی‌رود، ناخواسته به دنبال ایجاد همان نظام شاهانه‌ای است که قصدی جز متحدالشکل و متحدالفکر کردن شهروندان ندارد؛ امری که در جهان تکثرگرای امروز نامقبول به نظر می‌رسد. سخت‌گیری امروز حاکمان به دلیل تجربه تلخ از گذشته دینداران است. این منطق یکی از دلایل اساسی بی‌دینی در اروپاست؛ همان مسئله که استاد مطهری در بیان علل گرایش به مادیگری به آن اشاره می‌کند (مطهری، ۱۳۷۲، ۵۲). لورنسو (Jean Claude Laurenceau) به‌عنوان یکی از پدران مقدس کلیسای کاتولیک - دومینیکن - که مدتی در قاهره به‌سر برده است، در سخنرانی سال ۲۰۰۳ خود در پاریس (کلیسای Marie Sainte) با اشاره به گفتگوی اسلام و مسیحیت گفت که به اعتقاد او و بر اساس تجربه‌ای که در کشورهای اسلامی به دست آورده است، پدران مقدس مسیحی در مواجهه با مسلمانان، باید مسئولیت جنگ‌های صلیبی، استعمارگری، میسیونرها و ماتریالیسم افراطی غرب را بر عهده بگیرند (Lestrait, 2003, p.5).

خرافه و دین در فرانسه کنونی

۱۵. با وجود این، تمام اشتباهات که زمانی عرصه بی‌دینی و اخیراً بازار دین را در فرانسه گرم کرده است بر عهده کلیسا نیست. بسیاری از پدیده‌های غلط و خرافی به دست حاکمان به مصرف عامه می‌رسد. جامعه لائیک از آن روی که سخت‌گرفتار خلاء روحی شهروندان خود است، با عاریت گرفتن برخی از قداست‌های دینی به ارائه واژگونه آنان می‌پردازد، تا ضمن برطرف کردن عطش معنوی جامعه، آنان را جانشین نقش دین سازد. در این میان فاصله خرافه و دین به حداقل خود می‌رسد و حکومت تا زمانی که خرافه، عمل دین را انجام می‌دهد به تقویت آن می‌پردازد. در زیر به نمونه‌ای از یک سنت انحرافی از مسیحیت و نقش حکومت در آن می‌پردازیم.

ظهور بابائوئل و افول دینداری

۱۶. اینکه مفهوم عید مسیحی تا چه میزان و چگونه به عیدی عمومی و ملی، خارج از حدود و تعاریف مذهبی بدل شده است، پرسش جدیدی نیست. اما اینکه چه عواملی باعث شتاب در نوعی دین‌گزیزی شده است، پرسشی است که جستجوی علل آن، امروز برای بسیاری از جامعه‌شناسان پراهمیت جلوه می‌کند. آنچه از منظر دینی برای برخی مؤمنان مسیحی مهم است مصادف شدن روز نوئل با روز تولد حضرت مسیح (ع) است. هر چند گروهی از مسیحیان چون برخی ارتدکس‌ها این تاریخ را درست نمی‌دانند یا برخی از محققان آن را بقایای مراسم بت‌پرستان قبل از میلاد مسیح می‌دانند، روز نوئل عنوان روز جشن رسمیت یافته است.^{۱۲} در نتیجه هر حادثه مثبتی در این روز می‌تواند نوعی بار ارزشی به خود گیرد. وجود انسانی نیکوسرشت که حامی فقرا و فرام آورنده لبخند کودکان تهی‌دست در لحظه‌های ناراحتی آنان است، تأکیدی بر نوشتار انجیل و توصیه‌های مسیح (ع) خواهد بود. بابائوئل می‌تواند هر انسانی باشد که به دنبال احیای ارزش‌های انسانی باشد. فرانک عطیف درباره‌ی خاستگاه بابائوئل روایتی را می‌آورد که شایان توجه است. وی می‌گوید سن نیکلاس مرد خجالتی بود و دوست نداشت که مستقیماً به کسی پولی بدهد بنابراین راهی پیدا کرد تا پول را پنهانی و از طرف فردی گمنام به آن‌ها بدهد و او کیسه‌های پول و طلا را از دودکش خانه‌ها

به پایین می‌انداخت. پدر دختر بعد از بار دوم به دنبال این بود که این فرد بخشش را بیابد و سن نیکلاس را هنگام انداختن کیسه زر برای جهیزیه دختر سوم دید. او کیسه‌ها را طوری می‌انداخت که داخل جورابی که برای خشک شدن به کنار شومینه (اجاق) آویخته شده بود، بیفتد (به همین خاطر هنگام کریسمس جوراب‌ها را در انتظار نیکلاس می‌آویزند) سن نیکلاس از آن مرد خواسته بود تا به کسی چیزی نگوید اما خبر همه جا پخش شد و از آن به بعد هر زمان مسیحی‌ها هدیه‌ای غیرمنتظره دریافت می‌کنند، سن نیکلاس را بانی آن می‌دانند (عطیف، ۲۰۰۳).

۱۷. آمدن بابائوئل سابق در قالب دینی و سپس تجمع بابائوئل‌های جدید در قالب‌های غیردینی و حتی ضددینی در دهه‌های اخیر، اسباب افول بیش از پیش دینداری در غرب شده است. قدیس گذشته، امروز دیگر رنگی از دین ندارد. شبکه سوم تلویزیون دولتی فرانسه در برنامه آموزشی خود در دسامبر ۲۰۰۳ به مناسبت عید کریسمس، دلیل قرمز شدن لباس بابائوئل در شکل فعلی آن را منبعث از تبلیغات بازرگانی شرکت کوکاکولا دانست. امروز بابائوئل تنها به سراغ تهی‌دستان نمی‌رود، هر ساله مراکز دولتی و غیردولتی در اروپا و آمریکا ماه‌ها به آموزش بابائوئل‌ها و مامائوئل‌هایی که به انحصاری شدن این مسئولیت در دست مردان معترض بودند، می‌پردازند. سال‌ها بابائوئل یک سفیدپوست بود. از دهه ۶۰ به بعد بابائوئل سیاه پوست هم وارد کارزار شد. در دانشگاه‌ها، مدارس و مهد کودک‌هایی که هر نوع علائم دینی را خلاف لائیسیته می‌دانند، با نزدیک شدن سفر بابائوئل درختان سرو و صنوبر نصب و تزئین می‌شود. استدلال مسئولان مدارس که امروز بالاخص در فرانسه اسباب اعتراض برخی دانش‌آموزان مذهبی شده است، چیزی جز لائیک خواندن بابائوئل نیست. آنان معتقدند که تعطیلات و تزئین‌ها جزئی از تاریخ ملی است و نه گزیده‌ای از تاریخ مذهبی. در کنار غیردینی شمردن بابائوئل، علائمی نیز نشان از تغییر و تحول برخی از سنت‌های گذشته دارد. هر ساله در مطب‌های پزشکان کودکان، باجه‌های پست و کودکان‌های دولتی و خصوصی صندوق‌های پستی‌ای ویژه بابائوئل در نظر گرفته می‌شود. در دهه ۱۸۹۰، اداره‌های پست، هر ماه آخر سال در دسامبر انباشته از نامه‌هایی می‌شد که بچه‌ها برای بابائوئل می‌نوشتند. املائی درست نامش و اینکه کجا زندگی

می‌کند (قطب شمال یا جنوب) و همین که اصلاً با نامه‌ها چه باید کرد، برای کارکنان پست فاجعه شده بود. این نامه‌ها مهر «آدرس صحیح نیست» می‌خورد و به اداره نامه‌های بی‌آدرس در واشنگتن یا پاریس و غیره فرستاده می‌شد. این معضل کم و بیش هنوز هم باقی است.

داده‌های جامعه‌شناسانه و آموزه‌های دینی

۱۸. هنوز هم بسیاری افراد بزرگسال در غرب به بابائونل اعتقاد دارند و کودکان خود را با اعتقاد به وجود او تربیت می‌کنند در حالی که این خودشان هستند که به جای بابائونل برای فرزندانشان هدیه می‌خرند. بسیاری دیگر از والدین نیز برای دلخوشی کودکان خود به ترویج این عقیده نادرست می‌پردازند. دو هفته قبل از نونل یا کریسمس، سراسر بازار استرازابورگ مملو از کلاه‌های قرمز زنانه و مردانه‌ای با کاکل‌های سفیدی است که بزرگ و کوچک در استقبال از بابائونل به سر گذاشته‌اند. هر چند بسیاری از آنان هیچ اعتقادی به این شخصیت ندارند، چون هر ساله مدلی جدید از کلاه و لباس بابائونل می‌بینند، هرچند برای سرگرمی، به آن‌ها راغب می‌شوند. اغلب در هر فامیلی شخصی نقش بابائونل را بر عهده می‌گیرد و برای همه بچه‌ها کادو می‌برد تا در روز نونل که آن‌ها از خواب بلند می‌شوند، غافل‌گیر شوند. بسته به سطح درآمد والدین کادوهای بابائونل می‌تواند متفاوت باشد. همین مسئله باعث می‌شود تا برخی از کودکان وقتی کادوی همبازی یا همکلاسی خود را می‌بینند، از دست بابائونل دلخور یا خشنود شوند. در این میان نباید منافع شرکت‌های تجاری و اقتصادی را ناچیز شمرد.

۱۹. برای ریشه‌کن کردن افسانه بابائونل نزد بزرگسالان در سال ۱۹۹۸م. یکی از مجلات معروف اروپا تحلیلی علمی از امکان وجود بابائونل ارائه کرد (Courrier International, n.422, 1998). بر اساس محاسبه یکی از دفاتر آمار در آمریکا^{۱۳} در جهانی که دو میلیارد کودک زیر هجده سال وجود دارد، ۳۷۸ میلیون نفر از آنان به بابائونل اعتقاد دارند. در این صورت به طور میانگین می‌توان گفت که حداقل ۹۱ میلیون خانواده در جهان وجود دارد که بابائونل شب عید باید برای آن‌ها کادو ببرد. اگر فاصله هر خانه یا دیگری را تنها ۱،۲۵ کیلومتر و کادوی او برای هر کودک را تنها یک

گرم بدانیم، بنا به نظر نویسنده این مقاله بابائوئل باید باری معادل ۲۱۵۷۵۰۷ کیلوگرم را با سرعتی معادل ۱۰۰۰ کیلومتر در ثانیه یعنی ۳۰۰۰ برابر سرعت صوت جابه‌جا کند، تا کادوها صبح نوئل به دست بچه‌ها برسد. نتیجه‌گیری نویسنده مقاله آن است که اگر قرار باشد بابائوئلی شب نوئل باشد، او یک بابائوئل مرده است!

۲۰. با وجود این امسال نیز برای چهلمین سال متمادی فرماندهی نیروی هوایی مستقر در آمریکای شمالی، همراه شخصیت‌های آمریکایی و کانادایی به رد یابی و گزارش مسیر حرکت بابائوئل از قطب شمال به سمت کشورهای دیگر پرداخت. فرماندهی این قرارگاه با در اختیار گذاشتن شماره تلفنی^{۱۴} برای بچه‌ها از آن‌ها خواست تا صرفاً از ساعت چهار بعد ظهر با رعایت اختلاف ساعات با این مرکز تماس حاصل کنند (US Air Force décembre 1996).^{۱۵}

۲۱. اما به باور جامعه‌شناسان همان طور که اعتراف و اقرار به گناه نزد کشیشان کاتولیک در مسیحیت اسباب دروغ‌گویی بچه‌ها را فراهم می‌کند، اصرار بر وجود بابائوئل هم عملاً باعث دروغ‌گویی والدین شده است. بچه‌ها می‌گویند که وقتی به کلیسا می‌روند بعضاً مجبور به اعتراف به کارهایی می‌شوند که در واقع مرتکب نشده‌اند؛ اما چون اعتراف توصیه شده است ناچارند بالاخره چیزی بگویند. اغلب والدین تا سنی که فرزند خود کشف حقیقت کند او را با بابائوئل خشنود نگه می‌دارند. به همین علت مطالعات جامعه‌شناسان نشان می‌دهد که اغلب بچه‌ها پس از سن دوازده‌سالگی دیگر اعتقادی به بابائوئل ندارند (Bronner, Vol. CXVI, 2004, p.128). این بی‌اعتقادی زمینه بی‌اعتقادی در ابعادی گسترده‌تر را موجب می‌شود که اولین ضربه آن متوجه دین است. در مقاله‌ای تحت عنوان «ترک اعتقادات: پایان بابائوئل»، نویسنده با انجام ۱۴۲ مصاحبه در مطالعه جامعه‌شناختی خود در فرانسه به این نتیجه رسیده است که افسانه بابائوئل باعث گسست اعتقادات در جوانان شده است. ناهمخوانی برداشت‌های درونی سبب گسست بیرونی شده است. بچه‌ها در سنی به سوی بابائوئل خوانده می‌شوند که اساساً قدرت تشکیک و تدبیر لازم را دارا نیستند و از سوی دیگر از طرف کسانی به وجود بابائوئل پی می‌برند که بیش از هر کس دیگری به آن‌ها اعتماد دارند: یعنی والدین همچون پدر و مادر. با این حال در این سنین نیز کودکان نابخردانه

این ایده را نپذیرفته‌اند، آنان از آن روی آن را قبول کرده‌اند و تحقیق از آن را نادرست می‌دانند، چون که از افراد مورد وثوقی فراگرفته‌اند. برای همین منظور است که می‌توان این آموزش غلط را نوعی توطئه هماهنگ دانست که با والدین القا و به کمک جامعه، مدرسه، محله و معلم تأیید می‌شود. هیچ دلیلی برای کودک در ناباوری به آن وجود ندارد (Bronner, 2004, p.125). این میزان از اعتقاد بعضاً باعث می‌شود تا کودکان بابائوئل را مبرا از اشتباه بدانند. آن‌ها می‌گویند این مقبول نیست که بابائوئل اشتباهی در کفش دیگری هدیه او را قرار دهد یا اینکه شبی کسی را فراموش کند؛ چون او را جز به خوبی نمی‌شناسند. در نتیجه در اغلب مواقع، گسست از بابائوئل و کشف بی‌اعتباری او منجر به بحران‌های روان‌شناختی نیز در کودکان می‌شود. آنان نه تنها به این یادگار کودکی بی‌اعتنا می‌شوند، بلکه به والدین و اطرافیان نیز بدبین می‌شوند. در برخی مواقع که کشف این حقیقت به صورت تصادفی اتفاق می‌افتد، آثار آن نیز سهمگین‌تر است (Bronner, 2004, p.128). اما بالاترین ضربه این نوع بازی ناآگاهانه و کودکانه بر پیکره دین و دینداری وارد می‌شود. طبعاً تنها روشی که می‌تواند کودکان امروز و نسل فردا را از دین‌گریزان نکند و اسباب آشتی آنان را فراهم آورد آموزش بر اساس عقل است (Bronner, 2004, p.128). آموزش ارزش‌های انسانی و دینی که آزمون عقلی خود را اثبات کرده‌اند، می‌تواند به تثبیت ایمان مدد رساند. بابائوئل و همکارانش که خواسته یا ناخواسته خود را به کودکان بیش از یک انسانی طبیعی با فضائل پسندیده نمایش داده‌اند، در دنیای مدرن امروز مسئول دین‌گریزی این پاکدلان هستند.

عطش معنویت؛ تحدی جدید عصر پست مدرن فرانسه

۲۲. با وجود این گرایش به دین هر چند در عمل با مشکل‌ها و معضله‌هایی روبروست، در مقام نظر از استقبالی بسیار برخوردار است. به عبارت دیگر هرچند چماق لائیسیته بر سر هر نوع کاوشی، ولو علمی، در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی سایه افکنده است، امروز می‌توان از بین مردم فرانسه، از افراد و گروه‌هایی بسیار نام برد که به دنبال کشف روح و معنی هستند. این پدیده که از آن می‌توان به عطش معنویت نام برد، باعث هجوم عامه مردم به سوی کنگره‌ها، کنفرانس‌ها و کتاب‌های دینی شده است. به جرئت

می‌توان گفت که این نوع استقبال از مباحث دینی نه تنها در تاریخ جمهوری فرانسه بی‌سابقه است، که این دین‌پژوهی عوام حتی در جوامع اسلامی چون ایران امروز نیز یافت نمی‌شود. شاید بتوان یکی از دلایل این میل باطنی فرانسویان، به‌رغم ظاهر بی‌دینشان را، تلاش روزافزون حکومت برای جلوگیری از ظهور علانم دینی و معنویت در این جامعه دانست.

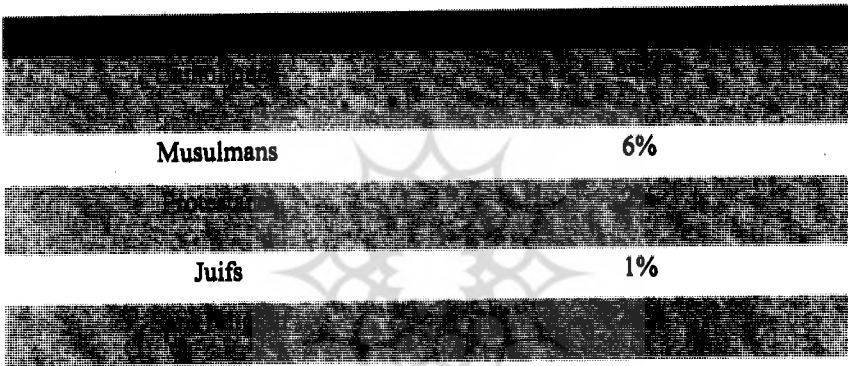
محاسبات از رشد ادیان در فرانسه

۲۳. با وجود این آمار ارائه شده در باره رشد ادیان در فرانسه، ارزیابی‌هایی سطحی، و غیررسمی، با مشکل‌هایی عدیده روبه‌روست. به همین دلیل اگر بخواهیم از آمار بین‌المللی مدد بجوئیم می‌توان به جدول زیر اشاره کرد که در سال ۲۰۰۲م. منتشر شده است (World Factbook, 2002).



طبق اطلاعات سازمان اطلاعات مخفی آمریکا (سیا)، جمعیت فرانسه در ماه ژوئیه سال ۲۰۰۴ به ۶۰۴۲۴۲۱۳ نفر رسیده است که از این تعداد ۵ الی ۱۰ درصد را مسلمانان تشکیل می‌دهند. یک درصد یهودی و ۲ درصد پرتستان هستند. کاتولیک‌ها به عنوان اصلی‌ترین گروه مذهبی فرانسه از نظر جمعیت به ۸۳ الی ۸۸ درصد از جمعیت فرانسه را دربرمی‌گیرند (http://www.cia.gov/cia/publications/factbook/geos/fr.html).^{۱۶} اما

نباید از تعداد بی‌شماری که عملاً خود را بی‌دین می‌نامند، غفلت نمود. در سال ۲۰۰۳م. انستیتوی CSA آماری ارائه کرد که در آن شمار کاتولیک‌ها به ۶۲ درصد می‌رسید و در برابر آن بی‌دینان هستند که تعداد آنان به ۲۶ درصد می‌رسد (<http://www.linternaute.com/savoir/religion/presentation.shtml>). مشکل اصلی این محاسبه به در هم آمیختن بی‌دینان با متدینان به ادیان غیروحيانی چون بودیست‌ها و هندوهاست. تنها در سایه این تفکیک است که می‌توان رقم درستی از بی‌دینی در فرانسه امروز ارائه کرد (www.csa.fr).



۲۴. اما انتقاد از این آمار می‌تواند ثمر دیگری در پی داشته باشد و آن تمییز دین‌داران واقعی یا به عبارت دیگر مؤمنان و معتقدان به ادیان وحيانی و غیروحيانی از دین‌دارن اسمی است. هر چند بسیار صعب خواهد بود، اگر به دنبال یافتن معیار و درجه‌ای برای این نوع تقسیم‌بندی در جامعه امروز فرانسه باشیم. بسیاری از مسلمانان برای مثال خود را مسلمان می‌نامند در حالی که بسیاری از احکام دین را یا جزء دین نمی‌دانند یا اینکه در پی قرائتی جدید از اسلام هستند که آنان را نیز عامل می‌دانند. با این حال اسلام در بین ادیان موجود در فرانسه بیشترین پیروان معتقد و عامل را دارد. همین مسئله بالاخص در ماه رمضان که نزدیک به ۹۰ درصد مسلمانان فرانسه به آن عامل می‌شوند، اسباب جذابیت بیش از پیش اسلام را فراهم ساخته است. بسیاری از دختران تازه مسلمان علت اصلی اعتقاد و گرایش خود را در همین حضور دین در عرصه زندگی اجتماعی می‌دانند (Sammia, Jeudi 19 février 2004). مجله لا وی (La Vie) در سال ۲۰۰۳م. آماری را به نقل از IFOP (novembre 2001) ارائه داد: بر

اساس این آمار ۳۶ درصد از مسلمانان خود را عامل و معتقد می‌دانند و ۳۳ درصد از آنان هر روز به وظایف شرعی خود متعهدند. طبق این داده‌ها ۷۰ درصد مسلمانان در فرانسه هر ساله روزه می‌گیرند (La Vie, n.2996 / 30 janvier 2003).

بازگشت قبایل

۲۵. میشل مفزولی در کتابی که اخیراً به چاپ رسانده است، بر خلاف ماکس ویر، به شدت از تنوری بازگشت دین حمایت کرده است. به نظر این استاد جامعه‌شناسی سوربن، تلاش دولتمردان فرانسه در بازگشت به فرانسه قدیم در قالبی تک‌دینی، تک‌قانونی و تک‌هستی به مثابه آب در هاون کوبیدن است (Maffesoli, déc. 2004 / jan. 2005, N.73, p.14). گذر از جامعه مدرن به پست‌مدرن ماهیتی چندهستی، چندفرقه‌ای و چنددینی است. به تعبیر او این تکرار است که غنای جامعه فرانسه مدیون اوست. لذا مفزولی از بازگشت قبایل در عصر پست‌مدرنی سخن می‌گوید که دین و به تبع آن اسلام جزء جدایی‌ناپذیر آن در جامعه فرانسه است (Maffesoli, 2000). در این مرحله گذار از مدرنیته جامعه فرانسه دیگر نه آستن فرد است و نه در انتظار ظهور هویت واحد ملی؛ فرانسه به استقبال جمعی می‌رود که می‌توان از آن به ظهور قبایل نام برد.

۲۶. متأسفانه جمعیت اسلام‌فروشان و دین‌گیزانی که اکنون در فرانسه خواسته یا ناخواسته به اسم اسلام سخن می‌گویند، بیش از هر چیز دیگری چهره اصیل دین را مخفی و حتی کدر ساخته است. حمایت مطبوعات دولتی از این دسته از نویسندگان و روشنفکران که عمدتاً دارای رگه‌های فکری ماتریالیستی و سوسیالیستی هستند، و در اختیار گذاردن تریبون و رسانه‌ها باعث شده است تا اسلام‌ها در فرانسه حاکم باشد و اسلام غالب اسلامی است که نزدیک به منطق حکومت لائیک باشد. برپایی و تأسیس شورای مذهبی مسلمانان فرانسه نه تنها به رفع این مشکل کمکی نکرده است و نخواهد کرد، بلکه در واقع در حال تبدیل شدن به ابزاری دولتی می‌باشد. این شورا می‌تواند همان عملی را برای دولت فرانسه انجام دهد که برخی از مفتی‌های الازهر مصر انجام می‌دهند (طنطاری <http://www.baztab.com/index.asp?ID=11973>).^{۱۷} همین مسئله سبب

شده است تا بسیاری از مسلمانان فرانسه اعتباری در حد یک تشکیلات دولتی برای این شورا قائل باشند.

رسالت دین و لائیسیته در فرانسه

۲۹. در اینکه رسالت دین در جمهوری فرانسه فعلی چیست، سؤال ارزشمندی است از آن جهت که نشان می‌دهد زمانی دین در فرانسه دارای رسالت و نقشی محوری بوده است. اما آنچه که امروز از دین در فرانسه انتظار می‌رود چیزی جز سکوت نیست. دین به هر میزان که ساکت‌تر و ساکن‌تر باشد در جامعه امروز فرانسه محبوب‌تر و منطقی‌تر است. ارائه تصویری خشتی و بودایی در حد ناظری فاقد قدرت نافذ در حوزه عمل جمعی، ایده‌آلی است که برخی از روشنفکران مسلمان فرانسه به دنبال تدارک آن از اسلام هستند. دین در حوزه خصوصی محبوس می‌شود، سلولی که با گذشت زمان تنگ‌تر می‌گردد تا تنها اسمی از آن باقی باشد. بی‌دینی در عوض به موتور محرکه لائیسیته تبدیل شده است. غلتک بی‌دینی با استخدام ارزش‌های دینی آن‌ها را به اسم ارزش‌های عقلانی بشر بازخوانی و به جامعه تشنه معنویت تزریق می‌کند. دین در این عرصه معنایی عام یافته است. بیشتر روشنفکران از اینکه واژه دین یا اسلام یا مسیحیت با حرف بزرگ آغاز شود مخالف‌اند. اینان معتقدند که دیگر نه دین و نه اسلام و نه هیچ چیز دیگری که بتواند مطلق باشد وجود ندارد. این دسته از متفکران در اینکه جهان ما و در پی آن جمهوری فرانسه در حال گذار به جامعه‌ای چندساحتی هستند، با پست مدرنیست‌ها موافق‌اند. آن‌ها نیز بر این باورند که در دهکده جهانی، جهانی از دهکده‌ها وجود دارد. شبکه‌هایی که هیچ یک مطلق نیستند. اما در اینکه این جامعه تکثرگرا به سوی مطلق چون بی‌دینی سوق یابد اعتراضی ندارند. در این میان مفهوم لائیک بودن به کدام سو خواهد رفت؟ آیا تمامت‌خواهانه به سوی حکومت مطلقه پیش نمی‌رود؟

جستجوی آرمان دموکراسی در فرانسه

۳۰. بسیاری از منتقدان قانون لائیسیته فرانسه با توجه به همین پرسش در میزان وفاداری یک حکومت لائیک به مبانی دموکراسی دچار تردید شده‌اند. لائیسیته

تمامیت‌خواه با ابزاری کردن دموکراسی به آرمان دموکراسی که مبتنی بر تساهل، تسامح و تکثرگرایی است، خیانت کرده است. لائیسیته اگرچه توانسته پای دین را از حوزه عمومی کوتاه کند، خود دست به حوزه خصوصی برده است. اشتباه لائیسیته فرانسه در وضعیت فعلی آن است که نه وفادار به عهد خود در ارائه خدمات یکسان به شهروند بی‌دین و بادین است و نه امین به عهد خود در رعایت بی‌طرفی در منازعه بی‌دینی و دینداری. تذکر این تعهد است که ما را ناخواسته به سوی مسئله حجاب و تعصب لائیک در جامعه فرانسه سوق می‌دهد. چرا که به نظر می‌رسد هیچ امری در تاریخ فرانسه به اندازه حجاب دختران مسلمان فرانسه این کشور را از منظر حقوق انسانی گرفتار عجز نساخته است. هرچند حجاب می‌توانست به یکی از نشانه‌های قوت جمهوری فرانسه بدل شود، رفتار ناصحیح با آن به عنوان لکه ننگی بر چهره مهد دموکراسی در جهان، به حیثیت این کشور در داخل و خارج کشور صدمه جدی وارد ساخته است و می‌سازد. قرائت‌ها از دموکراسی غربی و معیارهای آن، خود یکی دیگر از شکاف‌های حاصل بین نظریه‌پردازان غربی است که به واسطه حجاب اسلامی عده‌ای از دختران مسلمان در مدارس به وجود آمده است. دموکراسی از نسخه‌ای واحد که به دیگر کشورها در جهان سوم، به عنوان معیار توسعه ارائه می‌شد به ارزشی نسبی بدل گشته است. از این پس می‌توان از *دموکراسی فرانسوی* و *لائیسیته فرانسوی* سخن گفت. همان انتقادی که مخالفان دین به نوع استخدام واژه دین وارد می‌کردند، اکنون بعینه در باره لائیسیته و دموکراسی نیز صادق است. مدل مطلق و نسخه‌ای ثابت شایان ارائه به همگان وجود ندارد. اما برای جوزف سیتروک (Joseph Sitruk) خاخام بزرگ یهودیان در فرانسه، معضل جامعه لائیک فرانسه بالاخص در سیستم آموزش و پرورش با تغییر واژه‌ها درمان نخواهد شد. مفرد یا جمع نوشتن عبارات اصالت آنان را از بین نخواهد برد. چرا که لائیسیته در حال حاضر با اصل دین مواجه است و نه دین‌ها چون یهود یا اسلام (Costa- lascoux, 1996).

۳۱. در ماجرای تدوین قانونی پیرامون منع استفاده از نشانه‌های مذهبی در آموزشگاه‌ها، فرانسویان موضوع جدایی سیاست از دین را از نو باز شناختند. گرچه فلسفه‌های گوناگون در این باره به رویارویی با یکدیگر برخاستند، جای تاریخ در این

مجادله سخت خالی بود. با این همه حکایت تصویب قانون ۱۹۰۵ به منظور جدا ساختن کار دولت از اقتدار کلیسا در زمینه آموزش بسیار پراهمیت است. نگاهی به تاریخچه این مقوله روشن می‌کند که تا چه میزان در ذهن مبتکران لائیسیته، مدرسه از نمادهای اولیه دموکراسی و از پایگاه‌های مهم آموزش دموکراسی بوده است. به تعبیر آنان مدرسه آزادکننده از تمام قیومیت‌های اجتماعی و همه جزم‌اندیشی‌ها از جمله اندیشه دینی است. ژول فری (Jules Ferry) ملقب به پدر مدارس لائیک، نخستین شخصیتی بود که در سال ۱۸۸۳ قانونی را به اصل لائیسیته در مؤسسات آموزش دولتی اختصاص داد. وی با شعار آموزش لائیک، اجباری و رایگان، قانون ناظر بر حضور مذهب در مدرسه را (با هدف کنار گذاشتن نقش کلیسا در آموزش‌های مدارس) رد کرد. فری می‌گوید: قانون‌گذار در نظر دارد تا سرانجام بین مدرسه و کلیسا دو زمینه‌ای که همیشه در هم خلط شده‌اند فرق بگذارد: بین اعتقادهای شخصی آزاد و متغیر و دانش عمومی و لازم برای همه (Borne, 1990) در همین جهت طبق قانون اساسی فرانسه اصل لائیسیته در دو موضوع تذکر داده شده است: اول، قانون جدایی کلیسا و دولت، مصوب سال ۱۹۰۵ که ماده یک آن می‌گوید: جمهوری فرانسه آزادی مذهب را قبول دارد. ماده ۲ نیز خاطر نشان می‌کند که: جمهوری فرانسه هیچ دینی را به رسمیت نمی‌شناسد و به هیچ دینی کمک مالی نمی‌کند. دوم، در قانون الحاقی مصوب سال ۱۹۴۶ است که ماده اول آن بیان می‌دارد که: فرانسه یک جمهوری تقسیم‌ناپذیر، لائیک، دموکراتیک و اجتماعی است. به بیان دیگر دموکراسی و لائیسیته جدایی‌ناپذیرند و روحیه اجتماعی و مردمی بودن یک جمهوری به روحیه لائیک بودن آن جمهوری است. چرا که جمهوری متعلق به همه مردم است و دموکراسی حاکمیت مردم است. این مسئله در ماده دوم قانون اساسی ۴ اکتبر سال ۱۹۵۸م. کامل‌تر شد؛ به این معنا که حکومت موظف به احترام همه ادیان گردید. امری که از آن می‌توان روح لائیسیته آن دوره را دریافت.^{۱۸}

۳۲. با وجود این حتی در قوام دموکراسی فرانسه بسیاری بر این باورند که اساساً روح لائیسیته دارای مبنایی دینی است (Bauberot, 28 janvier 1998). این نقطه نظر برخلاف آنچه سابقاً در باره اشتباه‌های کلیسا گفتیم حکایت از نقش مثبت دین

مسیح(ع) در تقویت لائیسیته دارد. به عبارت دیگر این تأمل بشری بیش از آنکه حاصل فکر انسان امروز باشد میراث‌خوار انجیل مسیح(ع) است (Raynal, 1999, p.12). آنجا که عیسی مسیح فرمود تا مال سزار را به سزار برگردانند و مال خدا را به خدا (Mt. 22.2).^{۱۹} به دنبال این سیر خود معتقدان مسیحی بیش از دیگران خواسته یا ناخواسته سبب رشد اندیشه لائیک شده‌اند. اما از منظر عملکرد اربابان کلیسای کاتولیک، صرف نظر از آنچه وبر تحلیل می‌کرد، می‌توان همچنین از نویسنده کتاب تاریخ اندیشه جدائی سیاست از دین در قرن نوزدهم فرانسه (جرج ویل، ۲۰۰۴) یاد کرد. این اثر که نخستین بار در سال ۱۹۲۹ چاپ شد، صاحبان اندیشه‌های چهارگانه‌ای را که در آفرینش مفهوم عرفی حاکمیت سهیم بودند، برمی‌شمارد: نخست کاتولیک‌های وارث سنت کلیسایی در نظام پادشاهی فرانسه، دوم پروتستان‌های لیبرال، سوم گرایش‌های گوناگون در جمع خداشناسان دین‌گریز، و سرانجام آزاداندیشان و آته‌ها. این اثر که اخیراً در جریان بحث از لائیسیته در فرانسه تجدید چاپ شده است، به خوبی از سهم مادی و معنوی کلیسا در ایجاد حکومت لائیک سخن می‌گوید (Gresh, 2004).

۳۳. اما حکومت لائیکی که به دنبال منازعه با کلیسا در قرن هفده و هیجده مستقر شد در عمل بسیار با مداراتر از مفهوم فعلی لائیسیته بود. به این معنا که حتی در مدارس نیز که قلب مجادله کلیسا و دولت محسوب می‌شد، هدف از لائیسیته چیزی جز بی‌طرفی، آن هم بی‌طرفی آموزگاران- و نه شاگردان- در مدارس نبود. حکومت نیز متعهد شده بود تا درباره ادیان مختلف به انجام وظیفه خود در قالب نوعی بی‌طرفی مثبت بپردازد. به این معنا که به تقویت ادیان در جامعه لائیک از نظر امنیتی و احیاناً مالی کمک رساند. اما آنچه امروز جامعه فرانسه شاهد آن است نوعی بی‌طرفی منفی است. تقویت بی‌دینی بر دین‌داری ترجیح داده می‌شود. نوعی ضدیت با ظواهر دینی اولین قدم در جهت خلع سلاح ادیان در فرانسه امروز است.

امثال

۳۴. به عنوان نمونه نگاهی به وضعیت فعلی مساجد مسلمانان در فرانسه بار دیگر انتقادهای جدی را به مفهوم و قرائت فعلی از قانون لائیسیته وارد می‌سازد. دولت

فرانسه در طی چند ماه اخیر چندین نفر از امامان جماعت مساجد را که وعظشان با قوانین لائیسیته مغایرت داشته است با اتهام حمایت از اسلام بنیادگرا و تهدید امنیت کشور، از فرانسه اخراج کرده است. در عین حال آقای ویلپن، وزیر کشور سابق فرانسه، تمایل دارد تا همواره چون سایر راستگرایان دولت، تأکید کند که او متعهد است تا با این وسیله به اسلام همچون یک دین کمک کند؛ تا جای خود را در جامعه فرانسه پیدا کنند. بر همین مبنا معتقد است که: بسیاری از مسلمانان فرانسه به قرائتی صلح‌جو و مداراگر از اسلام پایبندند و لذا از این پس امامان جماعت باید زبان فرانسه بیاموزند و آموزش‌های لائیک دیگری نیز در دانشگاه‌های فرانسه ببینند. در جهت حمایت از همین عملکرد وزیر کشور است که *دلیلی بریکر*، رئیس شورای مسلمانان فرانسه و مدیر مسجد اصلی پاریس، گفته که او مطمئن است نسل جدید امامان مساجد که در فرانسه تربیت می‌شوند به روی مدرنیته و ارزش‌های سکولار باز خواهند گشت. اما آیا اسلام فرانسوی خواهد توانست اسلامی متفاوت از الگوهای رایج در جهان اسلام دنبال کند؟

۳۵. نمونه دیگری که به‌رغم فتاوی روشن‌فکران مسلمان هنوز به عنوان معضل لائیسیته باقی مانده است، تعیین حدود برای حجاب اسلامی در اندازه و شکل و تعیین محل برای استفاده از آن در حوزه عمومی یا خصوصی می‌باشد. در حالی که در آلمان این ممنوعیت برای معلمان زن شامل چند ایالت می‌شود، و در ترکیه این ممنوعیت شامل حال دانشجویان زن در دانشگاه‌ها می‌شود، در فرانسه از ابتدای سال تحصیلی ۲۰۰۴-۲۰۰۵م. برای دانش آموزان دختر استفاده از روسری ممنوع اعلام شده است و قانونی نانوشته در دانشگاه‌ها در حال اجراست. لائیسیته فرانسه همچنان که خود اقرار دارند نسخه‌ای جداست. با وجود استخر مجزا با پوشش مخصوص برای بانوان مسلمان دانمارکی، به کارگیری زنان محجبه در پلیس بریتانیا و حتی وضعیت مساعدتر زنان مسلمان در کشورهای هلند، اسپانیا و اخیراً بلژیک نشان‌دهنده این واقعیت است که کشورهای اروپایی در حال نوعی همخوانی و بومی کردن اسلام در درون خود هستند، لائیسیته فرانسه وارد جزئیات زندگی شهروندان شده و خود را سرگرم اموری بسیار دور از رسالت خود کرده است.

جمع‌بندی

۳۶. کلیسای کاتولیک خواسته یا ناخواسته به دو روش در استقرار سیستم حکومتی که امروز از آن به لائیسیته یاد می‌شود، تأثیر داشته است: به روش مثبت با تفسیر سیاسی آیات انجیل در لزوم تفکیک بین حکومت دنیوی و اخروی. در این منظر دین با سیاست وداع کرده است و جز ناظری مطیع نخواهد بود. پولس در ضمن نامه خود به رومیان از لزوم اطاعت از هر نوع حکومتی هرچند ظالم سخن گفته است (Ro 13, 1; 1) (Pi 2: pp.13-17).^{۲۰} هر چند بتوان این قاعده را با آیاتی دیگر مقید کرد، (Ac 5, 29) روح حاکم بر کلیسای قرن اول تا سوم میلادی همواره بر اطاعت استوار بود. در روش منفی، کلیسا خود را از ناظری بی‌طرف به عاملی مقتدر در عرصه حکومت وارد کرد. در این تفسیر هر حکومتی بر زمین باید به نیابت از مسیح باشد؛ چرا که همه قدرتها از اوست (Ro 13, pp.1-7).^{۲۱} افراط در این تفسیر و تلقی پاپ به عنوان حاکم مطلق و صاحب عصمت (Pacaut, 1989, p.103)، ضربه‌های سهمگینی را بر اعتقاد دینی مغرب‌زمین وارد ساخت. خسارت بیشتر در قرار گرفتن کلیسا در برابر عقل و توسعه علم مدرن بود. عصر روشنفکری فرانسه را در این جهت می‌توان قیامی علیه علم‌ستیزی حاکمان کلیسا دانست. بر این فهرست باید جنگ‌های صلیبی و کشتار مسیحیان مخالف سلطه پاپ در اروپا و قربانیان دستگاه تفتیش عقاید را اضافه نمود.

۳۷. کلیسای کاتولیک در فرانسه پس از انقلاب تاکنون بازگشتی به نظریه اول در نوع مداخلات با حکومت می‌باشد. این مسئله پس از تصویب قانون لائیسیته در سال ۱۹۰۵م. تشدید شد. به طوری که عملاً در پی سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰م. دیگر از دین کاتولیک در فرانسه چیزی جز ظواهر و نمادها چون صلیب و کلیسا نمانده بود. بسیاری از جامعه‌شناسان در این دوره از مرگ مسیحیت در جهان (Delumeau, J. 1977) و پایان کاتولیسیسم در فرانسه سخن به آوردند (Hervieu- Leger, 2003). نویسنده مشهور فرانسه، گوشه، از خروج دین از عرصه جامعه تمجید کرد (Gauchet, 1985, p.307).

۳۸. اما دیری نپایید که موج عطش معنویت در اواخر دهه، زنگ خطری هم برای حکومت لائیک و هم برای دین مسیحیت در فرانسه به صدا در آورد. موج مطالعه و گرایش به اسلام همراه رشد سریع جمعیت مسلمانان فرانسه، اسباب نزدیکی دو رقیب

سابق را فراهم ساخته است. دولتمردان با قصد احیای سنن و فرهنگ سنتی فرانسه خواسته یا ناخواسته به استقبال اموری می‌روند که سال‌ها به اسم دین با آن جنگیده‌اند. در این میان بسیاری از تحلیل‌گران مسائل فرانسه بر این باورند که قوانین جدید لائیسیته به‌رغم عام جلوه داده شدن، برای کسی جز مسلمانان ترسیم نشده‌اند. البته هنوز بسیار عجولانه خواهد بود اگر این قوانین را باعث تقویت اسلام‌گرایی در فرانسه بدانیم، ولی مشاهدات عینی نشان از نوعی میل به مخالفت با محدودیت‌های حکومتی در قالب ظهور جسورانه برخی از نمادهای دینی در حوزه‌های عمومی چون دانشگاه‌ها دارد. امروز کم نیستند افرادی چون سمیه (Sammia) که با دارا بودن دو تیتیر قهرمانی فرانسه در رشته هنرهای رزمی، با ترک رشته پزشکی به خاطر محدودیت حجاب در بیمارستان‌ها، صرفاً به دلیل گرایش به اسلام از بسیاری از حقوق شهروندی فرانسه محروم شده‌اند (www.saphirnet.info/article_1022.html). بسیاری از این دانشجویان، دانش آموزان، کارمندان و... چون او دغدغه‌ای جز انتقام از بی‌عدالتی قانون ندارند. برای همین منظور است که سمیه‌ها در فرانسه امروز پا به سوی رشته‌های انسانی گذارده‌اند تا ضمن حفظ آزادی خود، با تحصیل در رشته حقوق، روزی بتوانند از حق خویش دفاع کنند (Sammia, Jeudi 19 Février 2004). موتور این اسلام‌جوان در فرانسه، عمدتاً خود جوانان فرانسه هستند. در اغلب مواقع این جوانان تازه مسلمان هستند که با آشنا شدن به مسائل دینی برای همکیشان خود که اغلب اصالتاً عرب هستند، کلاس‌های قرآن و زبان عربی برای فهم متون دینی دایر می‌کنند. اینان مدافع اسلامی هستند که متعلق به کشور فرانسه است؛ هر چند این غنای فرهنگی به تعبیر میشل مفزولی (Maffesoli, déc. 2004/ jan. 2005, N° 73, p.14) و محمد ارکون (Arkoun, 1991, 29) به بهانه لائیسیته نادیده انگاشته شود.

یادداشت‌ها

1. "Gott ist tot"
2. L'Assemblée Nationale reconnaît et déclare, en présence et sous les auspices de l'Être suprême, les droits suivants de l'Homme et du Citoyen. Déclaration des Droits de l'Homme et du citoyen de 1789

۳. مفهوم «عجاززدایی جهان» (Entzauberung der Welt) از همین جا نشئت می‌گیرد؛ مفهومی که ویر از شاعر آلمانی شیلر به عاریت گرفت و در لفظ خود به معنای «بیرون راندن سحر و جادو از اشیاء» است. مأوای انسان دیگر آن باغ بزرگ جادوشده نیست. او برای اینکه در این جهان و آن جهان بتواند سمت و سوی خود را بیابد و احساس امنیت کند، دیگر نیاز به ستایش یا فراخواندن ارواح ندارد و دیگر نباید با به‌جا آوردن یک رشته آیین و مناسک دینی به رستگاری دست یابد. او احساس حضور مشیت الهی در حیات خود را از دست می‌دهد.

۴. چندی پیش در برنامه l'émission d'envoyé spécial که از شبکه دوم دولتی فرانسه پخش شد، خبر از دستگیری والدینی داد که به جرم تجاوز به سه کودک خردسال ۴-۱۱ساله خود ۲- پسر و یک دختر ۴ساله- در بازداشت به سر می‌برند. نکته تاسف‌بارتر، دعوت دوستان و بالاخص همسایگان به این عمل شنیع به دست والدین بوده است که پس از سال‌ها ارتکاب جرم دستگیر می‌شدند (۲۰۰۴/۵/۱۸).

5. L'Institut national de la statistique et des études économiques (INSEE)

مرکز ملی آمار فرانسه

۶. بررسی علمی این پدیده نشان می‌دهد آنچه امروز در این شکل جدید از ازدواج وجود دارد، بسیار نزدیک به ساخت و تأسیس حقوقی ازدواج موقت در مکتب شیعه است. البته کالبد شکافی این دو فرصت‌دبگری را می‌طلبد تا غنای این اصل دینی در اسلام و مبانی عقلی و آینده‌نگری منطق فقهی شیعه آشکار شود.

7. "Le port du voile à l'école est un phénomène récent. Affirmé dans le monde musulman dans la décennie 1970 avec l'émergence de mouvements politico-religieux radicaux, il ne se manifeste en France qu'à partir de la fin des années 1980", Rapport au Président de la République, Commission de réflexion sur l'application du principe de laïcité dans la République, Palais de l'Élysée - jeudi 11 décembre 2003, 4.2.2.1 L'école.

۸. آیات شیطانی (ترجمه عبارت انگلیسی Satanic Verses) رمانی است در ۵۴۷ صفحه (نسخه انگلیسی در چاپ اول) که در تاریخ ۱۳۶۷/۷/۴ (۲۶ سپتامبر ۱۹۸۸) انتشارات «وایکینگ» (جزء گروه انتشاراتی پنگوئن) منتشر کرد. نویسنده این کتاب، سلمان رشدی، مسلمان هندی‌تباری بود که تبعه بریتانیای کبیر محسوب می‌شد و آیات شیطانی پنجمین رمان این نویسنده ۴۱ ساله بود. سلمان رشدی عضو «انجمن سلطنتی ادبیات انگلستان»

می‌باشد و این کتاب را به سفارش گیلون ریتکن (رئیس یهودی انتشارات وایکینگ) با دستمزد بی‌سابقه ۸۵۰ هزار پوند نوشته است.

۹. مدیر شبکه المنار لبنان در تهران، با اشاره به این اقدام و با اشاره به معیارهای دوگانه در رفتار با رسانه‌ها، افزود: «در حال حاضر ماهواره‌هایی در اروپا وجود دارند که نه تنها با ارزش‌های انسانی بلکه با ارزش‌های اسلامی ما منافات دارند و این شبکه‌ها کاملاً صهیونیستی هستند و بر ضد مسلمانان و اسلام تبلیغ می‌کنند و با آن‌ها برخورد نمی‌شود؛ اما شبکه المنار چون واقعیت قتل عام فلسطینی‌ها به دست نیروهای اشغالگر اسرائیل را بیان می‌کند، این گونه با آن برخورد می‌شود». شمع، اقدام دولت فرانسه را تروریسم رسانه‌ای خواند و از مواجهه غرب با دو شبکه رسمی و دولتی در جهان اسلام بعد از المنار خبر داد.

۱۰. شورای عالی نظارت بر برنامه‌های رادیو و تلویزیونی فرانسه (سه.اس.آ) روز جمعه خواستار ممنوعیت پخش برنامه‌های شبکه ماهواره‌ای جمهوری اسلامی ایران، سحر، در اروپا شد.

۱۱. بر پایه نظریه وبر، فرایند گسترش عقلانیت ابزاری از ویژگی‌های تکامل غربی است؛ به گونه‌ای که ریشه‌هایش را باید در یهودیت باستان و تنه آن را در پروتستانسیسم و سرمایه‌داری رو به رشد جست. در کانون این فرایند مفاهیمی چون عقلانیت و عقلانی‌شدن قرار دارند. رشد عقلانیت را در توانمندی فزاینده انسان می‌توان شاهد بود که قادر است تمامی جوانب حیات را محاسبه و کنترل کند.

۱۲. شمع‌ها و چراغ‌هایی که امروز بر روی درخت کاج روشن می‌نمایند، نماد همان آتش‌های بزرگ مردمان دوران باستان است. آنانی که از این طریق، راه را برای خدایان خود روشن می‌کردند یا به مناسبت فصل زمستان، جشن‌هایی برگزار می‌نمودند که سمبل پیروزی نور و آتش بر تاریکی بوده است. جشن‌ها و آداب و رسوم زمستانی برخی اقوام علت انتخاب روز ۲۵ دسامبر به عنوان میلاد مسیح را برای ما روشن‌تر می‌کند. برخی از دانشمندان ادعا دارند که حضرت مسیح (ع) به طور قطع در فصل بهار، در زمانی که چوپان‌ها، احشام خود را به چمنزارها می‌بردند متولد شده است. اما کلیسای کاتولیک برخی از آداب و رسوم باستانی را تحریف نموده و آن‌ها را به صورت تعطیلات مذهبی کریسمس در آورده است.

15. LE NORAD SUR LA PISTE DU PERE NOEL, Source: US Air Force News Archives (décembre 1996), (plan de défense, nom de code "Santa Claus")

16. Religions: Roman Catholic 83%-88%, Protestant 2%, Jewish 1%, Muslim 5%-10%, unaffiliated 4%

۱۷. مواضع غیرمنتظره مفتی مجمع اسلامی الازهر مصر در خصوص مسئله حجاب اسلامی و حمایت وی از تصمیم پاریس در اعلام ممنوعیت حجاب در مدارس دولتی فرانسه، به عنوان تحولی عجیب و شایان تأمل در مباحث مربوط به حجاب اسلامی در این کشور قلمداد می‌شود. محمد سید طنطاوی مفتی و امام مجمع اسلامی الازهر مصر روز سه‌شنبه در دیدار با نیکولا سارکوزی، وزیر کشور فرانسه، که برای دیدار با مقامات مصری به قاهره سفر کرده است، گفت: این حق دولت فرانسه است که حجاب اسلامی را در مدارس این کشور ممنوع اعلام کند.

18. "La France est une République indivisible, laïque, démocratique et sociale. Elle assure l'égalité devant la loi de tous les citoyens sans distinction d'origine, de race ou de religion. Elle respecte toutes les croyances".

19. Mt. 22.2 "rendez à César ce qui est à César et à Dieu ce qui est à Dieu".

20 Nulla potestas nisi a Deo. Ro 13: 1; voir aussi: 1 Pi 2: pp.13-17.

21. Que chacun (toute âme) se soumette aux autorités en charge ! Car il n'y a point d'autorité qui ne vienne de Dieu, et celles qui existent sont constituées par Dieu.

کتابنامه

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *حلال گرایش به مادپرستی*. تهران: صدرا.

Arkoun, M. (1991). "France- islam, une occasion historique". *Revue Panoramiques*, juin, *Islam et laïcité, une nouvelle donne ?*, pp.22-29.

Bauberot, Jean (2000). *la laïcité occidentale est-elle fille de la Bible?*. Conférence, Tlse. Débat dirigé par Jean Albert le 28 janvier 1998 à Toulouse (Théâtre Sorano).

Belot (1894). "l'Utilitarisme et ses nouveaux critiques". *Revue de métaphysique et de morale*, juillet, 2: pp.404-64.

Besseghir, Ichem (2003). "Etre musulman, c'était être directement intégriste", Entretien avec Ichem Besseghir, Lundi 26 Mai; "Bagagiste à Roissy, présumé terroriste". *Www.Saphirnet.info*

Borne, Dominique (1990). *Laïcité, le sens d'un idéal*. Revu du centre internationale d'études pédagogiques, numéro 7, septembre.

- Bronner, Gérald (2004). "L'abandon des croyances: La fin du Père Noël". *Cahiers internationaux de Sociologie*, Vol., CXVI, pp.117-140.
- Chevenement Jean-Pierre (1991), **Audition publique de M. Jean-Pierre Chevènement, ancien Ministre de la Défense (10 mai 1988 - 28 janvier 1991)**: www.reseauvoltaire.net/article9980.html
- Costa - Lascoux, Jacqueline (1996). **Les trois âges de la laïcité**. Paris: Hachette livre.
- Courrier International (1998). "Le Père Noel", in *Courrier international*, n° 422, décembre, 5-7.
- Deltombe, Thomas (2004). "Parti-pris des médias français: L'islam au miroir de la télévision". *Le Monde diplomatique*, Mars. (1992), **Quels pères ? Quels fils ?**, Paris: Fayard, et le Livre de Poche 1994.
- Delumeau, J. (1977), *Le christianisme va-t-il mourir ?*, Paris: Fayard,
- El-Shakankiri, Mohamed Abd-el-Hadi (1970). **La philosophie juridique de Jeremy Bentham**. Préf. de Michel Villey, Paris: Librairie générale de droit et de jurisprudence (L.G.D.J.)
- Gauchet, Marcel (1985). *Le désenchantement du monde, Une histoire religieuse du politique*, Paris: Gallimard
- Guérin, Franck & Kaim, Stéphanie (2004). "Nous, enfants d'homos", in *ARTE France TV*. 45mn. mardi, 21 décembre 2004 à 21:30.
- Hervieu- Leger Danièle (2003). *Catholicisme la fin d'un monde*, Paris: Bayard.
- Howard, John (1972). *Jésus et le politique: La radicalité éthique de la Croix*, Lausanne: Presses Bibliques Universitaires (des GBU),
- Huntington, Samuel, *The Third Wave. Democratization in the Twentieth Century*, Norman, University of Oklahoma Press, 1991, Pour la traduction française voir: Huntington (S-P), **Le choc des civilisations**, (traduc.fr.), Paris: Odile Jacob, 1997
- J'ai découvert l'Islam toute seule. Entretien avec Sammia*. Jeudi 19 Février 2004.
- La Vie (2003). "A Marseille, la mosquée de monsieur le maire", in *La Vie* n° 2996/ 30 janvier 2003.
- Lestrait, Tèrese (2003). **Chrétiens Face à l'Islam**, mars.

Les guerres de religion en France: <http://perso.wanadoo.fr/famille.renard/histoire/une/guerre.htm> Thema Bouddha: Soirée sur ARTE le 23 décembre 2003

Maffesoli, Michel (2000). *Le Temps des tribus. Le déclin de l'individualisme dans les sociétés de masse*, Paris: La Table Ronde,.

Id. (2004). *Réenchantement du monde*, in Sciences de l'Homme & Sociétés, déc. 2004/jan. 2005, N° 73, p.14.

Ognier, Pierre (2003). "la laïcité française depuis 1945. Le difficile parcours d'un concept", in *Trajets* N° 4, "cette parole qui circule entre croyants", Documents 43, juillet, pp.13-15.

Pacaut, Marcel (1989). *La théocratie. L'Église et le pouvoir au Moyen Âge*. Paris: Desclée

Rapport Hite sur les femmes et l'amour (Stock 1987)

Raynal, Jean-Jaques (1999). *Histoire des grands courants de la pensée politique*, Paris: Hachette

Roy, Olivier, *Naissance d'un islam européen*, dans "L'islam d'Europe", *Esprit*, janvier 1998, pp.10-12.

Sammia (2004). *J'ai découvert l'Islam toute seule*, Entretien avec Sammia. Jeudi 19 février: http://www.saphirnet.info/article_1022.html

Stasi (2003). "Commission de réflexion sur l'application du principe de laïcité dans la République", *Rapport au Président de la République*, Palais de l'Elysée - jeudi 11 décembre, 4.2.2.1 *L'école*.

Ternisien, Xavier (2002). "L'islam de France veut s'organiser", in *Le Monde dossiers et documents*, n° 314, novembre.

US Air Force, (1996). "Le norad sur la piste du père Noël", *News Archives (décembre)*, (plan de défense, nom de code "Santa Claus"): www.finart.be/UfocohHq/santa.html.

<http://baztab.com/news/21564.php>

<http://forums.lemonde.fr/perl/showthreaded.pl?Cat=&Board=chretien&Number=765730&page=0&view=collapsed&sb=3&part=>

http://fr.encarta.msn.com/encyclopedia_761566700_6/Bible.html

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2005/01/050124_sm-planet.shtml

<http://www.bouddhisme-france.org/index.htm>: des émissions religieuses,
dimanche de 8h30 à 8h45.

<http://www.bouddhisme-france.org/index.htm>.

<http://www.cia.gov/cia/publications/factbook/geos/fr.html>

<http://www.cyborlink.com/besite/france.htm>

<http://www.eleves.ens.fr/home/mlnguyen/hist/med/inquisition.html>

<http://www.france3.fr>: ۸,۰۵,۲۰۰۴ فرانسه در حرامزاده‌ها

http://www.insee.fr/fr/nom_def_met/definitions/html/famille.htm

(مرکز ملی آمار فرانسه)

<http://www.linternaute.com/savoir/religion/presentation.shtml>

<http://www.sabzine.com/archives/2003> فرانک عطیف، بابانوئل از کجا آمده؟

<http://www.sharifnews.com/?3467>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی